

Lesson 29

درس بیست و نهم

DEMONS AND SATAN

دیو و شیطان

Reading:

Matthew 8:14-34

مطالعه:

متی ۸: ۱۴-۳۴

Christadelphian Bible Mission, Box CBM, 404 Shaftmoor Lane, BIRMINGHAM, B28 8SZ, UK

DEMONS

The Bible words for 'devil' and 'demon' are quite different and this is clearly shown in modern versions. Unfortunately the Authorised Version can be confusing. We shall consider the devil in the next lesson. God is all-powerful and created all things. There are no invisible living beings called demons that cause trouble. In some Bible passages the word 'demon' refers to idols; in others it refers to illnesses. We shall look at both of these and show how they are linked.

Demons as idols

Psalm 106 talks about Israel's sins and God's mercy and care for them. The people of Israel had not kept themselves separate from the nations around but had instead copied their wicked practices and worshipped idols. They thought that false gods ruled over them and influenced their lives. In verses 36-38 we read that Israel sacrificed their children to idols. Notice that these verses talk about sacrificing "to the demons" and "to the idols". This is because 'demon' is another way of talking about an idol. The demons mentioned here were the idols of the surrounding nations.

در کتاب مقدس کلمات "ابلیس" و "دیو" متفاوت هستند و در نسخه جدید کتاب مقدس این امر به طور واضح دیده شده است. اما در نسخه قدیمی کمی مبهم است. در درس بعد به ابلیس خواهیم پرداخت. خدای قادر مطلق است و همه چیز را خلق کرده است. هیچ موجود نامرئی به نام دیو که انسان‌ها را به دردسر بیندازد وجود ندارد. در بعضی از متون کتاب مقدس کلمه "دیو" اشاره به "بت‌ها" دارد و در بعضی دیگر به "بیماری‌ها" اشاره می‌کند. ما به هر دو نگاهی می‌اندازیم، تا به ارتباطشان پی ببریم.

دیو بعنوان بت‌ها

مزامیر باب 106 در مورد گناه اسرائیل و رحمت و محبت خدا به آنها سخن می‌گوید. امت اسرائیل خود را از دیگر امت‌ها جدا نکردند و همچنین اعمال شیرانه آنها را نیز تکرار کرده و بت‌ها را می‌پرستیدند. آنها بر این باور بودند که خدایان دروغین بر آنها حکومت می‌کردند و زندگی‌شان را تحت تاثیر قرار می‌دادند. در آیات 36 تا 38 می‌خوانیم که بنی اسرائیل فرزندان خود را برای بت‌ها قربانی می‌کردند. توجه داشته باشید که این آیات در مورد قربانی برای "دیوها" و "بت‌ها" صحبت می‌کند. بنابراین "دیو" واژه دیگری برای "بت" بود. دیوهای اشاره شده در این قسمت بت‌های ملت‌های اطراف بودند.

مزامیر 106: 36-38

"بتهای ایشان را عبادت کردند، که برایشان دام گردید. پسران خود را برای دیوها قربانی کردند و دختران خود را نیز. خون بی گناه را ریختند، خون پسران و دختران خود را؛ که ایشان را برای بتهای کنعان قربانی کردند، و زمین به خون آلوده شد."

Psalm 106:36-38

"They served their idols, which became a snare to them. They sacrificed their sons and their daughters to the demons; they poured out innocent blood, the blood of their sons and daughters, whom they sacrificed to the idols of Canaan ..."

Deuteronomy 32:17 also links demons and idols (false gods). 1Corinthians 10:18-21 again shows that 'demon' is another word for 'idol'. The Christians at Corinth worshipped the only living and true God. All other gods were idols, here called demons – lifeless objects which people worship in vain.

Demons as illnesses

Jesus healed people with many different medical conditions. For example, he gave sight to the blind, hearing to the deaf and made the lame walk. He also cured many people suffering from mental illnesses, including complaints like epilepsy. In those days people knew very little about medical science. They could see why a person with a swollen ankle could not walk properly.

تثنیه 32: 17 نیز دیوها و بتها (خدایان دروغین) را به هم مرتبط می کند. اول قرنطیان 10: 18-21 باز به این موضوع اشاره دارد که دیوها همان بتها بودند. مسیحیان قرنطس تنها خدای زنده و حقیقی را می پرستیدند. خدایان دیگر بتها بودند که در این قسمت دیو خوانده شده است، اشیای بی جانی که مردم به پوچی آن را می پرستند.

دیوها بعنوان بیماری

مسیح انسانهای زیادی را با بیماریهای مختلف درمان کرد. برای مثال کوران بینا شدند، کران شنوا شدند و شلان راه رفتند. او بیماران زیادی که از امراض مغزی و روحی رنج می بردند را نیز درمان کرد که از میان آنها می توان به بیماری صرع نیز اشاره کرد. در آن زمان مردم دانش کمی در مورد علم پزشکی داشتند. درک این موضوع که شخصی با مچی ورم کرده نمی تواند راحت راه برود، آسان بود.

but there seemed to be no reason for illnesses like epilepsy, schizophrenia and other mental conditions. These illnesses also made the sufferers behave strangely. So people thought that these illnesses were caused by demons entering into the sufferers and controlling their lives to change them. When Jesus healed such people, he is described as casting out demons (Mark 1:34,39). The following passage is about the healing work of Jesus: **“That evening they brought to him many who were oppressed by demons, and he cast out the spirits with a word and healed all who were sick. This was to fulfil what was spoken by the prophet Isaiah: ‘He took our illnesses and bore our diseases’”** (Matthew 8:16,17).

This passage states that people with demons came to Jesus and he cast out the spirits. It also tells us that the prophet Isaiah prophesied that this would happen. But Isaiah talks about illnesses and diseases, not demons and evil spirits. Demons and evil spirits are a way of talking about illnesses and diseases. Luke 9:42 shows that demons and evil spirits are the same, and that they can be healed: **“While he (Jesus) was coming, the demon threw him to the ground and convulsed him. But Jesus rebuked the unclean spirit and healed the boy, and gave him back to his father.”**

اما برای بیماری‌هایی همانند صرع، اسکیزوفرنی و دیگر بیماری‌های از این قبیل هیچ دلیلی نمی‌یافتند. این بیماری‌ها باعث می‌شد که با این افراد برخورد عجیبی داشته باشند. پس مردم گمان می‌کردند که این امراض توسط دیو‌هایی به وجود آمده که به درون بدن بیماران رفته و زندگی آنها را تغییر داده و کنترل می‌کند. وقتی مسیح این انسان‌ها را درمان می‌کرد مردم اینگونه می‌پنداشتند که او دیوها را از وجود بیماران خارج کرده است (مرقس 1: 34-39). آیات زیر در مورد شفا دادن توسط مسیح است: **“هنگام غروب، بسیاری از دیوزدگان را نزدش آوردند و او با کلام خود ارواح را از آنان به در کرد و همهٔ بیماران را شفا داد، تا بدین‌سان، پیشگویی اِشعیای نبی به حقیقت پیوندد که: او ضعف‌های ما را برگرفت و بیماری‌های ما را حمل کرد”** (متی 8: 16-17). این متن می‌گوید افرادی که دیو در وجودشان بود نزد مسیح می‌آمدند و او ارواح را از وجودشان خارج می‌کرد و همین‌طور ذکر می‌کند که اشعیای نبی این واقعه را پیشگویی کرده بود. اما اشعیای در مورد بیماری‌ها سخن گفته بود و هیچ حرفی از ارواح پلید و دیوها نزد ارواح پلید و دیوها نیز نوعی از بیماری‌ها بودند. لوقا 9: 42 نشان می‌دهند که دیوها و روح پلید برابرند و قابل درمان هستند: **“در همان هنگام که پسر می‌آمد، دیو او را بر زمین زد و به تشنج افکند. اما عیسی بر آن روح پلید نهیب زد و پسر را شفا داد و به پدرش سپرد”** (لوقا 9: 42).

Matthew 17 describes the same miracle but does not mention a demon. Instead verse 15 describes the boy as an epileptic. The Greek word here means 'moon struck'.

The translators did not suggest that the boy had been struck by the moon but looked at the symptoms and realised that he was suffering from epilepsy. In the time of Jesus people did not know that epilepsy is a medical condition. If Jesus had told them this, they would not have understood and would probably have thought him very strange for suggesting it. Today, epilepsy is controlled with medical drugs. When Luke talks about a demon and unclean spirit he is using language that would be understood by the people of the time.

Matthew 9:32,33 also uses the ideas of the time to describe Jesus healing a dumb man. The people thought he had a demon. It was not easy for them to understand how someone with a mouth and tongue was unable to talk.

When Jesus healed a blind and dumb person who was thought to have a demon (Matthew 12:22,23), many people recognised his great power, but the Pharisees wickedly said that it came from Beelzebub, the prince of demons. Jesus showed how foolish this idea was.

متی 17 نیز معجزه مشابهی را توضیح می‌دهد. اما هیچ اشاره‌ای به دیو نمی‌کند. در عوض در آیه ۱۵ پسر را مصروع معرفی می‌کند. در این قسمت واژه یونانی "ماه زده-دیوانه" به کار رفته است.

اما نویسندگان به نشانه‌های بیماری دقت کرد و دریافت که پسر از صرع رنج می‌برد. در زمان مسیح، مردم نمی‌دانستند که صرع یک بیماری مغزی است. اگر مسیح این واقعیت را به آنها می‌گفت طبیعتاً درک نمی‌کردند و می‌پنداشتند که او حرف‌های عجیب می‌زند. امروزه صرع با داروهای پزشکی کنترل می‌شود. وقتی که لوقا در مورد دیو و ارواح ناپاک سخن می‌گوید، تنها قصد او استفاده از زبانی است که برای مردم قابل درک باشد.

متی 9: 32-33 نیز در مورد مسیح که شخصی گنگ را شفا داد، سخن می‌گوید. مردم می‌پنداشتند که او دیوی در وجود خود دارد. برای آنها قابل درک نبود که چگونه انسانی با دهان و زبان قادر به سخن گفتن نیست.

زمانی که مسیح کور و گنگی را که همه دیو در وجود دارند شفا داد (متی 12: 22-23)، افراد زیادی متوجه قدرت او شدند اما فریسیان از روی شرارت گفتند که این کار به یاری بعلزبول یا رئیس دیوها انجام می‌شود. مسیح ثابت کرد که تفکرشان احمقانه بود.

دیوها، بت‌ها و بیماری‌ها

اول پادشاهان باب 18 نشان می‌دهد که مردم چگونه خدایان دروغین را می‌پرستیدند. بت پرستان (دیو پرستان) کنترل اعمال خود را از دست داده بودند. چون تحت تاثیر هیجان‌ات قرار گرفته و ساعت‌های طولانی را در حضور خدایان دروغین فریاد می‌زدند. اول پادشاهان 18: 28-29 می‌گوید: "پس ایشان به صدای بلند فریاد می‌کردند و مطابق رسم خود، خویشتن را با شمشیرها و نیزه‌ها مجروح می‌ساختند، چندان که خون بر بدنشان جاری می‌شد. نیمروز سپری شد و ایشان تا هنگام قربانی شامگاهی همچنان عربده می‌کشیدند، اما نه صدایی بود، نه کسی که پاسخ دهد یا توجه کند" (1 پادشاهان 18: 28-29).

شخصی که مبتلا به صرع و یا جنون است ممکن است همانند همین بت پرستان رفتار کند. به همین دلیل است که پنداشته می‌شد مردم با بیماری‌های عجیب توسط خدایان دروغین (دیوها) تسخیر شده‌اند. از آنجایی که بت‌ها و دیوها وجود واقعی ندارند (1 قرنتیان 8: 4)، ارواح پلید نیز وجود ندارد. هیچ ارواح پلیدی باعث مشکلات و بیماری نمی‌شوند.

Demons, idols and illnesses

1 Kings 18 gives a glimpse of the way people worshipped false gods. The idol (demon) worshippers lost control of their actions because they had worked themselves up into a state of excitement, having spent many hours leaping and shouting to their false god. 1 Kings 18:28,29 says: "they cried aloud and cut themselves after their custom with swords and lances, until the blood gushed out upon them. And as midday passed, they raved on".

A person having an epileptic fit or a lunatic might look like these idol worshippers. This may be why people with illnesses that caused strange behaviour were thought to be possessed by a false god (demon). Since idols, or demons, have no real existence (1 Corinthians 8:4), the evil spirits thought to be associated with them do not exist. There are no evil spirits that cause trouble and illness.

مسیح با اجسام بی جان سخن می گفت

از آنجایی که مسیح با دیوها سخن می گفت برخی از افراد می پنداشتند که آنها موجودات زنده هستند. اما وقتی یکی از خویشاوندان پطرس مریض شد و تب داشت، مسیح با تب نیز سخن گفت. او همچنین با باد و دریا (مرقس 4: 39-41) و درخت انجیر (متی 21: 19-21) سخن می گفت. می دانیم که مردگان قادر به شنیدن نیستند. اما مسیح با دختر یایرس و ایلعازر زمانی که مرده بودند سخن گفت. سخن گفتن مسیح با این موجودات بی جان، همانند سخن گفتن او با دیوهایی بود که زنده نبودند. با این نوع از سخن گفتن مسیح ثابت کرد که توانایی اجرای معجزات را دارد (اعداد 20: 8 را ببینید - در این آیات به موسی توسط خدا تعلیم داده شد که با صخره سخن گوید).

لوقا 4: 38-39

"آنگاه عیسی کنیسه را ترک گفت و به خانه شمعون رفت. و اما مادرزن شمعون را تبی سخت عارض گشته بود. پس، از عیسی خواستند یاری اش کند. او نیز بر بالین وی خم شد و تب را نهیب زد، و تبش قطع شد. او بی درنگ برخاست و مشغول پذیرایی از آنها شد"

Luke 4:38-39

"Now Simon's mother-in-law was ill with a high fever, and they appealed to him on her behalf. And he stood over her and rebuked the fever, and it left her, and immediately she rose and began to serve them"

Jesus spoke to lifeless things

Because Jesus appears to speak to demons, some people think they must be living beings. But when Peter's relative was ill with a fever, Jesus spoke to the fever. He also spoke to the wind and sea (Mark 4:39-41) and to a fig tree (Matthew 21:19-22). We know that the dead cannot hear but Jesus spoke to Jairus' daughter and to Lazarus when they were dead. Jesus speaking to these lifeless things is similar to his talking to demons, which also have no life. By speaking to these things, Jesus showed that he had the power to perform the miracle. (See also Numbers 20:8, where Moses was instructed by God to speak to a rock.)

شخصی که دیو در وجود او بود تنها مشکل پزشکی داشت که در آن زمان قابل درک نبود.

A person with a demon had a medical problem that was not understood at the time.

SATAN

شیطان

'Satan' is an ordinary Hebrew word that means 'adversary'. In the Old Testament it appears 18 times as 'satan' while seven times it is translated 'adversary'. An adversary is someone who opposes (tries to stop) a person from doing something. We will look at some occasions where the translators have used the word 'adversary'. These will help us to understand the meaning of 'satan'.

1. David stayed with the Philistines to escape from King Saul, the first king of Israel, who was trying to kill him. When the Philistine commanders were preparing to go to battle against Israel, they thought that David might become an adversary and fight against them. They said, "He (David) shall not go down with us to battle, lest in the battle he become an adversary to us" (1 Samuel 29:4).

"شیطان" کلمه‌ای عبری به معنای "مخالفت کننده" است. در عهد عتیق ۱۸ بار از واژه شیطان استفاده شده که ۷ بار آن "مخالفت کننده" ترجمه شده است. "مخالفت کننده" شخصی است که سعی در مخالفت (ممانعت) با شخصی برای انجام کاری دارد. در بعضی از متون می‌بینیم که مترجم کلمه "مخالفت کننده" را استفاده کرده است. این امر به ما کمک می‌کند که معنی کلمه شیطان را درک کنیم.

1. داوود همراه فلسطینیان ماند تا از شائول که اولین پادشاه اسرائیل بود و قصد کشتن او را داشت، فرار کند. زمانی که رهبران فلسطینی آماده می‌شدند به جنگ علیه اسرائیلی‌ها بروند گمان کردند که ممکن است داوود دشمن باشد و بر علیه آنها بجنگد. آنها گفتند: "اما فرماندهان فلسطینیان بر او خشم گرفتند و گفتند: این مرد را بازپس بفرست تا به مکانی که برایش تعیین کرده‌ای، بازگردد. او نباید با ما به جنگ بیاید، مبادا در حین نبرد دشمن ما شود. زیرا او چگونه می‌تواند با سرور خود، شائول آشتی کند؟ آیا نه با سرهای این مردان؟" (1 سموئیل 29:4).

The word 'adversary' in this verse is the Hebrew word 'satan'. This shows that a human being can be a satan. It is not the name of a person.

2. Solomon was a righteous king who loved God. However he became involved in idol worship. God was angry with him and sent adversaries against him. This word 'adversary' in 1 Kings 11:14 is the word 'satan': **"And the LORD raised up an adversary against Solomon, Hadad the Edomite"**. 1 Kings 11:23-25 records that God sent a second adversary, Rezon. Both Hadad and Rezon acted as enemies or 'satans' by bringing trouble for Solomon and Israel. This should have made Solomon realise his foolishness and turn back to God.

3. In Numbers 22 we are told of a prophet called Balaam, who was going on a journey which God did not want him to make. Verse 22 says: **"But God's anger was kindled because he (Balaam) went, and the angel of the LORD took his stand in the way as his adversary"**. Again the word 'adversary' is 'satan'. God sent an angel to block the path and oppose Balaam, to prevent him continuing his journey and doing wrong. The angel, who was doing God's will, was a 'satan' or opposer to Balaam. The angel was a good satan!

کلمه "دشمن" در این آیه همان کلمه عبری "شیطان" است و این نشان می‌دهد که یک انسان نیز می‌تواند شیطان باشد. این اسم یک انسان نیست.

2. سلیمان پادشاه عادل بود که خدا را دوست داشت اگرچه درگیر بت پرستی شد. خدا از او عصبانی شد و دشمنانی را علیه او فرستاد. کلمه "دشمن" در اول پادشاهان 11: 14 همان کلمه "شیطان" است: **"پس خداوند دشمنی بر ضد سلیمان برانگیخت. او هَدَدِ آدومی، از تبار پادشاهان آدوم بود" (1 پادشاهان 11: 14)**. اول پادشاهان 11: 23-25 می‌گوید که خدا دشمن دوم، یعنی رزون را فرستاد. هدد و رزون، هر دو همانند شیطان عمل کردند و برای سلیمان و اسرائیل مشکلات زیادی به وجود آوردند و موجب شدند تا سلیمان متوجه اشتباهاتش بشود و به سوی خدا بازگردد.

3. در کتاب اعداد باب ۲۲ در مورد یک نبی به نام بلعام به ما گفته شده که به سفری می‌رفت که خدا نمی‌خواست. در آیه ۲۲ می‌گوید: **"اما خشم خدا به سبب رفتن بلعام برافروخته شد و فرشته خداوند بر سر راه برای مقابله با وی موضع گرفت" (اعداد 22: 22)**. در اینجا کلمه "مقابله" به معنای "شیطان" است. خدا فرشته‌ای را فرستاد تا سد راه بلعام شود و با او مخالفت کند و او را از ادامه سفر و انجام کار اشتباه منع کند. فرشته‌ای که اراده خدا را انجام می‌داد "شیطان" و یا "مخالفت کننده با بلعام" بود. این فرشته در اینجا، یک شیطان خوب بود!

4. Matthew 16:23 uses the Hebrew word 'satan'. Because Peter did not want Jesus to go to Jerusalem to suffer and die, he tried to stop him. Jesus said to him, "Get behind me, Satan", because Peter was opposing God's will. Peter was trying to stop Jesus dying for us and was therefore a 'satan' to Jesus. A satan is an adversary, one who is in opposition, who may be good or bad. If someone stops a person from doing evil, he is a good satan, just as the angel was to Balaam. There is no powerful evil being called Satan. God would never have created such a wicked being to frustrate His purpose. Jesus showed us how to understand the word 'satan' by using it to describe his disciple Peter when he made a comment which was opposed to God's will.

4. متی 16:23 کلمه عبری "شیطان" را استفاده می‌کند، چون پطرس نمی‌خواست عیسی به اورشلیم برود و عذاب کشیده و بمیرد. او سعی کرد مسیح را متوقف کند، بنابراین به او گفته شد: "دور شو از من ای شیطان"، چون پطرس قصد مخالفت با اراده خدا را داشت. پطرس می‌خواست جلوی مرگ مسیح را برای ما بگیرد و بنابراین برای مسیح، "شیطان" محسوب می‌شد. کلمه شیطان به معنای دشمنی است که در حال مخالفت است. این کلمه می‌تواند خوب و یا بد باشد. اگر کسی شخص دیگری را از انجام کار اشتباه منع کند، شیطانِ خوب است، همانند کاری که فرشتگان برای بلعام کردند. هیچ قدرت شریری به نام شیطان وجود ندارد. خدا هرگز در راستای اهداف خود شرارت این چنینی را خلق نمی‌کند. عیسی برای درک بهتر کلمه شیطان، شاگردش پطرس را زمانی که با خواسته خدا مخالفت می‌کرد شیطان خطاب کرد.

شیطان یعنی "دشمن" یا "کسی که مخالفت می‌کند". هر کسی با مخالفت با شخص دیگری می‌تواند شیطان باشد. شیطان می‌تواند مانع شما در انجام کار خوب و یا بد باشد.

Satan means 'adversary' or 'one who opposes'. Anyone can be a satan by opposing another person. They can stop them from doing good or evil.

We are our own worst enemies

Our greatest adversary is our own sinful self. We give in to our own desires that stop us following the Lord Jesus. These desires oppose a godly way of life – they act as a satan to us. In this way the word ‘satan’ can be used for our own sinful desires. This can be seen by comparing Acts 5 verses 3 and 4:

ما بدترین دشمنان خود هستیم

بزرگترین دشمن ما ذات گناهکار خودمان است. ما تسلیم خواسته‌های خود می‌شویم که مانع پیروی از مسیح می‌شود. این خواسته‌ها مغایر با روش الهی زندگی می‌باشند و همانند یک شیطان برای ما عمل می‌کنند. به این طریق کلمه شیطان برای خواسته‌های گناه آلود ما نیز به کار می‌رود. این امر را در مقایسه با اعمال رسولان 5: 3-4 می‌بینید:

آیه 3:

"ای حَنانیا، چرا گذاشتی شیطان دلت را چنین پر سازد که به روح القدس دروغ بگویی..."

Verse 3:

"But Peter said, 'Ananias, why has Satan filled your heart to lie to the Holy Spirit...'"

آیه 4:

"چه چیز تو را بر آن داشت که چنین کنی؟ تو نه به انسان، بلکه به خدا دروغ گفتی"

Verse 4:

"Why is it that you have contrived this deed in your heart? You have not lied to men but to God."

'Satan' is used in verse 3 to represent Ananias's sinful thoughts – his own sinful desires were opposing the things of God. Verse 4 clearly shows they were his own thoughts, and not put there by an evil being. God straight away punished Ananias with death because of his sin. If a wicked being called Satan really had filled Ananias's heart then the punishment would have been unfair. We must overcome our wicked desires!

در آیه ۳ کلمه "شیطان" برای نشان دادن افکار گناه آلود بیان شده است. خواسته‌های گناه آلود او با خدا مخالفت می‌کرد. آیه 4 کاملا نشان می‌دهد که افکار خودش بود و توسط شیطان قرار داده نشده بود. خدا حنانیا را بخاطر گناهانش با مرگ مجازات کرد. اگر واقعا شیطان دل او را پر کرده بود پس مجازاتش ناعدالتی بود. ما باید بر خواسته‌های شیرانه خود غلبه کنیم.

زهرة (لوسيفر) که بود؟

Who was Lucifer?

Isaiah 14:12-16 is often quoted by people who believe in a supernatural evil being. By comparing the ESV and the AV we see that Lucifer is just another name for the day star, or planet Venus.

اشعيا 14: 12-16 آیاتی است که معمولاً توسط انسان‌هایی که به وجود موجودات شریر اعتقاد دارند نقل قول می‌شود. با مقایسه دو نسخه از کتاب مقدس در می‌یابیم که زهره تنها نام ستاره روز و یا سیاره ونوس است.

نسخه اول	English Standard Version of Isaiah 14:12	نسخه دوم	Authorised Version of Isaiah 14:12
ای ستاره صبح، ای پسر فجر، چگونه از آسمان فرو افتاده‌ای. ای که ملتها را ذلیل می‌ساختی، چگونه خود بر زمین افکنده شده‌ای.	ای ستاره صبح، ای پسر فجر، چگونه از آسمان فرو افتاده‌ای. ای که ملتها را ذلیل می‌ساختی، چگونه خود بر زمین افکنده شده‌ای.	ای زهره، ای پسر فجر، چگونه از آسمان فرو افتاده‌ای. ای که ملتها را ذلیل می‌ساختی، چگونه خود بر زمین افکنده شده‌ای.	ای زهره، ای پسر فجر، چگونه از آسمان فرو افتاده‌ای. ای که ملتها را ذلیل می‌ساختی، چگونه خود بر زمین افکنده شده‌ای.
How you are fallen from heaven, O Day Star, son of Dawn! How you are cut down to the ground, you who laid the nations low!	How you are fallen from heaven, O Day Star, son of Dawn! How you are cut down to the ground, you who laid the nations low!	How art thou fallen from heaven, O Lucifer, son of the morning! how art thou cut down to the ground, which didst weaken the nations!	How art thou fallen from heaven, O Lucifer, son of the morning! how art thou cut down to the ground, which didst weaken the nations!

If you read the whole chapter you will see that 'Lucifer' refers to the king of Babylon (see especially verses 4 and 16). This is a prophecy that the arrogant king of Babylon would fall from power. This would be as spectacular as if the planet Venus fell from the sky! Jesus uses similar picture language about the city of Capernaum (Matthew 11:23). Similarly, Ezekiel 28:14-16 refers to the king of Tyre and not an all-powerful evil being.

اگر کل باب را مطالعه کنیم متوجه می‌شویم که زهره به پادشاه بابل اشاره دارد (آیات 4 و 16 را به دقت نگاه کنید). این پیشگویی در مورد پادشاه متکبر بابل است که از قدرت خواهد افتاد. این امر به اندازه افتادن سیاره ونوس از آسمان خاص است. مسیح از زبان تصویری مشابهی برای شهر کفرناحوم نیز استفاده کرد (متی 11: 23). به طور مشابه حزقیال 28: 14-16 به رئیس صور اشاره دارد و منظورش تمام قدرت‌های شریر نیست.

شیطان در کتاب ایوب

Satan in the Book of Job

Job is described as “blameless and upright, one who feared God and turned away from evil” (Job 1:1).

He was also very wealthy. Satan suggests to God that Job only worships God because of the blessings he receives from Him. So God agrees that Job will be tested to see if he will remain faithful when his blessings are taken away.

Who was this Satan? It is important to note that God, not this Satan, brought the trouble on Job (Job 42:11). Job and his wife knew this (Job 2:9,10; 19:21). We know that God would not work directly with a supernatural evil being (Psalm 5:4; Habakkuk 1:13).

The term ‘satan’ only occurs in the first two chapters of Job and the first reference is: “Now there was a day when the sons of God came to present themselves before the LORD, and Satan also came among them” (Job 1:6).

This verse has led some people to wrongly believe that ‘satan’ here refers to a wicked angel,

"در دیار عوص مردی بود ایوب نام. آن مرد بی‌عیب و صالح بود؛ از خدا می‌ترسید و از بدی اجتناب می‌کرد" (ایوب 1:1).

او بسیار ثروتمند بود. شیطان به خدا گفت که ایوب تنها به سبب برکاتش خدا را پرستش می‌کند. پس خدا موافقت کرد تا ایوب با دارایی‌هایش آزمایش شود تا مشخص شود که اگر برکات از او گرفته شوند او همچنان ایماندار می‌ماند.

این شیطان چه کسی بود؟ مهم است ذکر شود که خدا این مشکلات را برای ایوب به وجود آورد، نه شیطان (ایوب 42:11). ایوب و همسرش این را می‌دانستند (ایوب 2:9-10 و 19:21). ما می‌دانیم که خدا با یک قدرت شریر همکاری نخواهد کرد (مزامیر 5:4 و حبقوق 1:13).

کلمه "شیطان" تنها در دو باب اول کتاب ایوب استفاده شده و اولین مرجع این است: "روزی پسران خدا آمدند تا به حضور خداوند شرفیاب شوند. شیطان نیز در میان ایشان آمد" (ایوب 1:6).

این آیه بسیاری از افراد را به اشتباه می‌اندازد و می‌پندارند که شیطان در اینجا یک فرشته بد است.

but Lesson 28 shows that angels do not sin. The phrase "sons of God" (sometimes 'children of God') is used in Scripture of believers (e.g. 1 John 3:2) and "present themselves before the LORD" refers to people worshipping God (Deuteronomy 31:14; Joshua 24:1; 1 Samuel 10:19).

We suggest that when one or more of Job's three friends came to worship God, they could have had jealous, evil thoughts about Job. The term 'Satan' is used to represent these thoughts because they are opposed to Job. The three friends bring no comfort to Job but instead wrongly tell him that his troubles must be the result of his wickedness. Significantly, there is no mention of Satan being condemned by God, but God is angry with the three friends at the end (Job 42:7). They were wicked, not Job.

اما در درس ۲۸ دیدیم که فرشتگان گناه نمی‌کنند. عبارت "پسران خدا" (گاهی فرزندان خدا) در کتاب مقدس خطاب به ایمانداران استفاده شده است (مانند 1 یوحنا 3:2) و "به حضور خداوند حاضر شوند" به مردمی که خدا را ستایش می‌کنند اشاره دارد (تثنیه 31:14 و یوشع 24:1 و 1 سموئیل 10:19).

به نظر می‌رسد وقتی سه دوست ایوب برای پرستش خدا آمدند، ممکن بود حسادت و تفکرات شریرانه در مورد او در سر می‌داشتند. کلمه شیطان در این قسمت استفاده شده که بیانگر افکار آنها باشد. چون آنها مخالف ایوب بودند. آن سه دوست هیچ تسکینی برای ایوب نبودند و در عوض به اشتباه به او گفتند که مشکلات او بدلیل شرارتش است. جالب است بدانیم که در بین این افراد خدا فقط شیطان را محکوم نکرد و در نهایت از هر سه دوست خشمگین شد (ایوب 42:7). آنها شریر بودند نه خود ایوب.

خلاصه Summary

- ❖ In some Bible passages the word 'demon' refers to idols (false gods); in others it refers to illnesses.
 - ❖ In Bible times people with illnesses that could not be explained, particularly those which caused strange behaviour like mental illnesses, were thought to have a demon. Today, we know these people were suffering from medical conditions that can often be helped with medicines.
 - ❖ There are no invisible living beings called demons that cause trouble.
 - ❖ The word 'satan' means 'adversary' or 'one who opposes'. The adversary can be good or evil.
 - ❖ There is no supernatural evil being called satan.
- ❖ در برخی از متون کتاب مقدس کلمه دیو اشاره به بت‌ها (خدایان دروغین) دارد و در برخی دیگر به بیماری‌ها.
 - ❖ در زمان کتاب مقدس بیماری‌هایی که قابل توضیح نبودند مخصوصاً بیماری‌هایی که تغییراتی در رفتار به همراه داشتند، همانند بیماری‌های روانی، دیو تلقی می‌شدند. امروزه می‌دانیم افراد مبتلا به این بیماری‌ها تنها بیمارند و با دارو درمان می‌شوند.
 - ❖ هیچ موجود نامرئی به اسم دیو که موجب دردسر شود، وجود ندارد.
 - ❖ کلمه شیطان به معنای دشمن و یا کسی است که مخالفت می‌کند. مخالفت کننده می‌تواند بد و یا خوب باشد.
 - ❖ هیچ موجود خارق العاده شریری به اسم شیطان وجود ندارد.

متی 8: 16-17

"هنگام غروب، بسیاری از دیوزدگان را نزدش آوردند و او با کلام خود ارواح را از آنان به در کرد و همهٔ بیماران را شفا داد، تا بدین سان، پیشگویی اِشعیای نبی به حقیقت پیوندد که: او ضعف‌های ما را برگرفت و بیماری‌های ما را حمل کرد"

Matthew 8:16,17

"That evening they brought to him many who were oppressed by demons, and he cast out the spirits with a word and healed all who were sick. This was to fulfil what was spoken by the prophet Isaiah: 'He took our illnesses and bore our diseases'"

Numbers 22

اعداد باب 22

1 Kings 18

1 پادشاهان باب 18

Matthew 16:21-28

متی 16: 21-28